

ناتوی عربی؛ زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری و سیاست‌های ترامپ در این خصوص: راهبردهای ایران در مقابله با آن

محمدرضا داوطلب^۱ - علی اصغر کاظمی زند^۲ - مهدی ذاکریان^۳ - حمید احمدی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۰

چکیده:

با به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در آمریکا، که نگرشی متفاوت با سطحی از کنش‌های افراط‌گرایانه را نسبت به مسائل مختلف جهانی و منطقه‌ای اتخاذ می‌کند تهدیدهای امنیتی را برای بازیگران مختلف بوجود آورده است. این نگرش جدید ایران را نیز بعنوان کانون اصلی تحولات منطقه خاورمیانه تحت تاثیر قرار داده است. دولت ترامپ مقابله با ایران را در چارچوب امنیتی سازی مسائل در منطقه خاورمیانه گام به گام دنبال می‌کند. طرح ایجاد ناتوی عربی نیز در کانون سیاست‌های خاورمیانه‌ای ترامپ قرار داشته و هدف نوشتار حاضر را شکل می‌دهد. در همین راستا، در مقاله حاضر، این پرسش اصلی مطرح شده که «اهداف دولت ترامپ از طرح ناتوی عربی در خاورمیانه چیست و با چه موانعی مواجه خواهد بود؟» در مقابل این پرسش اساسی فرضیه مقاله بدین شکل تدوین یافته است که "بنظر می‌رسد هدف شکل‌گیری ناتوی عربی تحدید نفوذ منطقه ای ایران و ایجاد بلوک عربی - اسلامی با حضور اسرائیل و حتی آمریکا باشد". یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد موانع اصلی در مقابل طرح ناتوی عربی بروز بحران قطر و شکاف داخلی کشورهای عربی بر سر مسائل منطقه‌ای، تضعیف جایگاه عربستان از نگاه غرب، تفاوت در قرائت‌های کشورهای منطقه از تروریسم، شکاف در جهان عرب بر سرچگونگی تقابل با ایران و تشدید منازعات و شکاف‌های مذهبی شیعی - سنی در خاورمیانه است.

واژگان کلیدی: ناتوی عربی، آمریکا، اسرائیل، ایران، راهبرد

^۱ - دانشجوی دکتری، روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
maryamegholamalizade@gmail.com

^۲ - استاد و عضو هیئت علمی، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

aakazemi@hotmail.com

^۳ - دانشیار و عضو گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۴ - استاد و عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۱- مقدمه

پس از فروپاشی شوروی، چنین تصور می‌شد که خاورمیانه دیگر از آن نقش سابق و راهبردی برخوردار نباشد که در دوران منازعه دو قطبی جنگ سرد داشت. اما، در سال‌های بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز همچنان خاورمیانه عربی در مقام کانون اصلی تمرکز آمریکا باقی ماند و حتی شاهد توجه ویژه این کشور به منطقه بودیم، چنانکه با هزینه‌های سنگین در حوزه نظامی، دو جنگ را در این منطقه علیه عراق در سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۳ مدیریت نمودند.

واشنگتن برای ایفای نقش خود به عنوان نیروی هژمون و پلیس بین‌الملل، تلاش کرد در سال‌های بعد از ۱۹۹۱ و در آغاز دهه ۲۰۰۰، تسلط و کنترل خود بر عرصه اقتصاد، انرژی، سیاست و جغرافیای خاورمیانه عربی با تاکید و تمرکز بر بخش امنیتی در این منطقه را توسعه دهد. در همین راستا، پایگاه‌های نظامی این کشور در خاورمیانه عربی نسبت به دوران جنگ سرد، بیشتر نیز شد و با ۵۴۰۰۰ هزار نیروی نظامی تا سال ۲۰۱۸ جایگاه و پایگاه خود را در این منطقه تقویت نموده است. (Copp, 2018) در مجموع، طی سال‌های بعد از ۲۰۰۰، دولت‌های جرج دبلیو بوش، باراک اوباما و اخیراً دونالد ترامپ تمرکز ویژه‌ای را به خاورمیانه عربی معطوف کرده‌اند.

اما، آمریکا در دوران ترامپ، در عین تقویت نظامی خود در این منطقه، چنانکه گفته شد، تلاش داشته تا گامی نوین در راستای نگاه امنیتی-سیاسی خود به خاورمیانه بردارد. این گام نیز در طرح و بسط ایده نهاد منطقه‌ای موسوم به ناتوی عربی خود را نمایان ساخت. ناتوی عربی گامی شکننده به جلو می‌باشد که هدف آن نیز تلاش برای به آشوب کشیدن منطقه با هدف مقابله با ایران است. در نشست‌های مختلف و نیز اهداف اولیه این نهاد به مقابله با اقدامات و نفوذ ایران اشاره شده است که در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت. در نوشتار حاضر تلاش می‌شود تا به بررسی این نهاد امنیتی از منظر سیاست‌های ترامپ برای خاورمیانه بپردازیم. در عین حال، راهبردهای ایران در مقابله با این نهاد را نیز مطرح خواهیم نمود. با این وصف سوال اصلی نوشتار حاضر عبارت است از: «اهداف دولت ترامپ از طرح ناتوی عربی در خاورمیانه چیست و با چه موانعی مواجه خواهد بود؟». با عنایت به این سوال، فرضیه نوشتار حاضر نیز به این شکل است که «به نظر می‌رسد، در اهداف ظاهر و پنهان شکل‌گیری ناتوی عربی، مقابله با نفوذ و قدرت ایران و تلاش برای ایجاد یک بلوک منطقه‌ای عربی-اسلامی علیه آن با حضور اسرائیل و آمریکا شکل گیرد».

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت و روش در دسته تحقیقات توصیفی-تحلیلی قرار دارد. بنا به ضرورت موضوعی و روشی پژوهش، شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و رجوع به منابع مکتوب مانند کتاب، مقالات و سایت‌های اینترنتی می‌باشد و عمدتاً در جمع‌آوری فاکت‌های (Fact) مورد نیاز پژوهش از متون کتاب‌ها و مقالات معتبر بهره گرفته شده است.

۳- مبانی نظری پژوهش

تحلیل و تبیین سیاست خارجی دونالد ترامپ در خاورمیانه با تاکید و تمرکز بر ناتوی عربی و تهدیدات و فرصت‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران پیش از هر چیزی نیازمند یک رویکرد نظری است، تا بتواند چهارچوب منسجمی برای فهم تئوریک این مساله به دست دهد. در میان طیف گسترده‌ای از نظریات روابط و سیاست بین‌الملل، آنهایی که بر مساله امنیت با نگاهی منطقه‌ای تمرکز دارند، به حوزه نظری مورد علاقه تحلیلگران بدل شده‌اند. در این میان مکتب کپنهاگ یکی از رهیافت‌هایی است که صرفاً بر مطالعات امنیتی تمرکز دارد و اندیشه‌ها و افق‌های جدیدی را در باب این مفهوم گشوده است. این مکتب بر آن است تا مسائل سنتی امنیتی را به چالش بکشد و موضوعات تازه‌ای بر آن بیفزاید. «این نظریه برخلاف نظریه‌های سنتی لیبرالیسم و واقع‌گرایی دارای دیدگاهی تنگ‌نظرانه در باب امنیت نیست و موضوعات امنیتی را به محور نظامی و جنگ و صلح تقلیل نمی‌دهد و از سوی دیگر مانند نظریه‌های جدید (مانند نظریه‌های انتقادی و پست مدرنیسم) فقط در پی انتقاد و چالش اندیشه‌های قدیمی نمی‌باشد. (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۴۳)

در این میان، تعریف بوزان از امنیت کاملاً روشن است «امنیت رهایی از تهدیدات است». (Buzan, 1991: 18) در این راستا، بوزان امنیت را مفهومی «توسعه نیافته» دانسته و تلاش می‌کند یک تعریف دوباره مفهوم سازی شده از امنیت را ارائه دهد. (Walt, 1992: 2013) فروپاشی جهان دوقطبی و حاکم شدن شرایط جدید امنیتی بر نظام بین‌المللی، بوزان را بر آن داشت تا با بازنگری در دیدگاه پیشین خود، در ویرایش دوم کتاب **مردم، دولت‌ها و هراس** در سال ۱۹۹۱ نظریه «مجموعه امنیت منطقه‌ای» را به شکلی مطرح نماید که قادر باشد تبیین بهتری از تحولات پیچیده جهان پس از جنگ سرد ارائه دهد. (Buzan, 1991) این نظریه در واقع چهارچوبی مفهومی است که دربرگیرنده ساختارهای جدید امنیت بین‌المللی یعنی مناطق است و شامل مدلی از

امنیت منطقه‌ای می‌شود که بر اساس آن می‌توان امکان تحلیل، تبیین و تا حدی پیش‌بینی تحولات درون هر منطقه را ایجاد کرد. (Sedivy, 2004.461)

مهم‌ترین بحث مکتب کپنهاگ نظریه امنیتی ساختن^۱ می‌باشد که بیشتر بر پایه معرفت‌شناسی سازه‌نگاری و واقع‌گرایانه قرار گرفته است. امنیتی ساختن به معنای خروج پدیده‌ها از حوزه «سیاست عادی»^۲ یا «سیاست‌های عمومی»^۳ و وارد کردن آنها به حوزه امنیتی است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۱) اینگونه نیست که مسائل مزبور به خودی خود امنیتی باشند و سپس برحسب ملاحظات امنیتی در مورد آنها صحبت شود. بنابراین، معنای دقیق و معیارهای امنیتی کردن، ایجاد بین‌الذهانی یک تهدید وجودی به نحوی است که بتواند تأثیرات اساسی در عرصه سیاست داشته باشد. (همان: ۴۹۳) فرایند امنیتی ساختن در مکتب کپنهاگ شامل سه مرحله است: (۱) شناسایی تهدیدات اساسی؛ (۲) اقدام اضطراری و فوری؛ و (۳) ایجاد تأثیر بر روابط بین‌واحد (شامل رویه‌های بوروکراتیک بنا شده) به وسیله نقض قوانین. امنیتی ساختن نیازمند درک از تهدید اصلی؛ توانایی و قدرت معلق کردن قوانین وضع شده برای پاسخ به تهدیدات؛ و توانایی متقاعد کردن دیگران از احساس خطر و نیاز به نقض قوانین برای بقاست. (Javan Shahraki, 2013. 65-66)

برای بوزان یک منطقه امنیتی، «یک زیر سیستم (یا خرده نظام) مجزا و قابل توجهی از روابط امنیتی است که در میان مجموعه‌ای از کشورهایی که سرنوشت آنها به سمت مجاورت جغرافیایی با یکدیگر پیوند خورده است، وجود دارد». بوزان پنج ویژگی اصلی یک منطقه امنیتی را بیان می‌کند (Roehrs, 2005.13) **اولا**، وی معتقد است که یک منطقه امنیتی باید از دو یا چند دولت تشکیل شده باشد. مطابق با این معیار نمی‌توان یک مجموعه امنیتی را بدون حداقل دو بازیگر قدرتمند و موثر منطقه‌ای تصور کرد. (دادا اندیش و کالجی، ۱۳۸۹: ۸۱) **ثانیاً**، دولتها باید در مجاورت جغرافیائی نسبت به یکدیگر قرار گرفته باشند. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۰) در کنار اصل مجاورت مساله حضور قدرت‌های بزرگ نیز در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای نکته حائز اهمیتی است (همان: ۱۴۰). **ثالثاً**، وابستگی متقابل امنیتی در داخل سطح منطقه‌ای، نسبت به سطح جهانی برجسته‌تر است. منظور از وابستگی متقابل امنیتی در این نظریه تأثیر و

^۱ - Securitization Theory

^۲ - Normal Politics

^۳ - Public Politics

تأثر اعضای تشکیل‌دهنده مجموعه است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۲۷۹) و در رابعاً، با توجه به تعریف بوزان، یک منطقه امنیتی، توسط الگوهای یافت شده در درون روش‌ها و تدابیر امنیتی تعریف شده است. در نهایت، بوزان با تفاوت قائل شدن میان معیار و پویش‌های سیاسی و نظامی بر این باور است که عامل اقتصاد در ثبات و انسجام داخلی کشورها نقش دارد و در نتیجه می‌تواند بر مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای موثر باشد. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۱؛ دادا اندیش و کالجی، ۱۳۸۹: ۸۲)؛ (Frazier et al, 2010. 732) دیگر ویژگی تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان، وجود «الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها» است. منظور وی از دوستی بیان این مطلب است که در روابط میان دولت‌ها طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌شود و منظور او از دشمنی اشاره به روابطی میان واحد ها است که در آن «سوءظن»^۱ و ترس حاکم باشد. (Buzan & Waever, 2005. 40-89)

در چارچوب مجموعه‌های امنیتی یک سهم قابل توجه از سطح جهانی نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد. برجسته‌ترین آنها تاثیراتی هستند که از طریق رفتار قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای رخ می‌دهند. این دولت‌ها می‌توانند نظم امنیتی از مجموعه امنیتی منطقه^۲ را در چهار شیوه کلی تحت تاثیر قرار دهند. نخست؛ این دولت‌ها می‌توانند دخالتی کم داشته و یا اصلاً هیچ دخالتی در مجموعه امنیتی منطقه نداشته باشند. دوم؛ این دولت‌ها می‌توانند ساختار منطقه‌ای را در خط مشی‌هایی که توزیع قابلیت‌ها را تغییر می‌دهند، تحت تاثیر قرار دهند. (برای مثال، کمک‌های نظامی اتحاد جماهیر شوروی به مصر ناصر در سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۷۲). سوم؛ این کشورها می‌توانند رفتار قدرت‌های منطقه‌ای را با روش‌هایی که می‌تواند اقدامات آنها را ترغیب، متوقف و یا معکوس کند، تحت تاثیر قرار دهند. (برای مثال، حمایت نظامی اتحاد جماهیر شوروی به آنگولا در مقابل آفریقای جنوبی). چهارم؛ قدرت‌های بزرگ خارج از منطقه، به طور مستقیم می‌توانند نظم امنیتی را تغییر دهند. (برای مثال، تعرض آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳) (Frazier et al, 2010. 734)

با عنایت به آنچه در خصوص مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ در چارچوب «مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای» گفته شد، به منظور کاربردی‌ترین نظریه بر موضوع نوشتار می‌توان چند نکته را استخراج نمود و از آنها برای تحلیل موضوع بهره برد. نخست، موضوع امنیتی‌کردن یا

^۱- Misunderstanding

^۲- Rsc Security Orders

امنیتی‌سازی مسائل است. بدین معنا که در چارچوب زبانی سیاست خارجی دونالد ترامپ با امنیتی‌کردن مسائل، خصوصاً مساله سوریه، یمن، عراق و نیز نفوذ و اقتدار ایران در منطقه تلاش دارد تا به مداخله در امور خاورمیانه به عنوان یک مجموعه امنیتی و با ایجاد یک نهاد امنیتی مانند ناتو بپردازد. دوم، در خصوص نظریه مجموعه‌های امنیتی و کاربست آن بر موضوع نوشتار در چارچوب تحول در نظم امنیت منطقه‌ای قرار دارد. بدین معنا که آمریکا تلاش دارد تا با بهره‌گیری از مفهوم امنیتی‌کردن و تلاش برای منزوی کردن و حتی اخراج ایران، نظم امنیتی موجود را که با حضور قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران، ترکیه و عربستان و بین‌المللی همانند روسیه شکل رقابت در برخی حوزه‌ها و وابستگی و روابط در حوزه‌های دیگر است، بر هم‌زده و این نظم را با کسب هزینه‌های تحول از عربستان و اقمار آن به نفع این کشور دگرگون نموده و ایران را منزوی نماید.

۴- خوانشی مقدماتی بر طرح ناتوی عربی

تاریخ جهان عرب، حاصل تلاش برای پیوندهایی است که ریشه در دل تاریخ هویت عربی و عرب‌گرایی دارد، اما در عصر دولت - ملت، که منافع ملی زمینه را برای فهم ملی‌گرایانه از مفهوم منفعت و بسترهای تهدیدساز به شکل مجزا میان دولت‌های عربی موجود در سطح خاورمیانه و شمال آفریقا فراهم نموده، تلاش برای پیوندهای هویتی غیرملی و عربی در بستر یک اتحادیه یا نهاد منطقه‌ای یا بین‌المللی غالباً به شکست انجامیده است. به لحاظ تاریخی و از چشم‌انداز سیر تحولات خاورمیانه و جهان عرب، نظریه‌ی متحدشدن کشورهای عربی در یک بلوک نظامی - سیاسی، ایده‌ی جدیدی نیست.

در این راستا، پیش‌تر نیروهای متحد منطقه‌ای در چارچوب اتحادیه عرب به وجود آمده بود که ۲۲ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را شامل می‌شود. علاوه بر این، پادشاهی‌های منطقه خلیج فارس هم نیروهای نظامی - دریایی متحدی در چارچوب اقدامات امنیتی شورای همکاری خلیج فارس تشکیل داده‌اند. اما، اوج همکاری کشورهای عربی را می‌توان در اجلاس شرم‌الشیخ^۱ در ۲۴ فوریه سال ۲۰۱۵ مشاهده نمود، که در آن توافق شد که «تیروی مشترک عربی» با هدف مقابله با خطرات و دفاع از امنیت و آینده جهان عرب تشکیل شود. در همین

^۱. Sharm El Sheikh Conference

راستا، محمد بن سلمان^۱، در دسامبر ۲۰۱۵ تشکیل ائتلاف نظامی اسلامی برای مبارزه با تروریسم و تندروی را اعلام کرد. (دیپلماسی ایرانی، ۲۹ آبان ۱۳۹۷)

به دنبال این تصمیم، رؤسای ستاد مشترک کشورهای عربی، پیش‌نویس نیروی مشترک عربی را آماده کردند. براساس این پیش‌نویس هر کشوری عربی باید میزان مشارکت نیروهای خود را مشخص کند. این نیروها در کشورهای خود حضور خواهند داشت و زیر نظر شورای دفاع مشترک متشکل از وزرای دفاع و خارجه کشورهای عضو فعالیت خواهند کرد. همچنین قرار است فرماندهی مشترکی برای این نیروها به مدت دو سال و یک فرمانده برای عملیات‌ها انتخاب شود. کشورهای عربی حمله نظامی مشترک خود به یمن را آزمایشی برای تشکیل ارتش عربی مشترک می‌دانند. (مجمع جهانی صلح اسلامی، مارس ۲۰۱۷) اقدامات عملیاتی در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ انجام گرفت و عنوانی نیز برای آن برگزیده شد.

نام این ائتلاف را نیز «اتحاد استراتژیک خاورمیانه یا میسا»^۲ گذاشته‌اند که در سطح رسانه‌ها به «ناتوی عربی» معروف شده است. (Aluwaisheg, October 01, 2018) از زمان ریاست جمهوری ترامپ تحرکات سیاسی از سوی آمریکا و حکام عربستان برای تشکیل ائتلاف عربی علیه ایران در منطقه با محوریت اعضای شورای همکاری خلیج فارس و اردن و مصر انجام شده است. در چارچوب همین تحرکات در حاشیه اجلاس هفتاد و سوم مجمع عمومی سازمان ملل نشست مشترکی میان وزرای خارجه شش کشور حوزه خلیج فارس به اضافه اردن و با حضور مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا برگزار شد. در بخشی از بیانیه پایانی این نشست آمده است: «همه شرکت‌کنندگان (در نشست آمریکا و کشورهای عربی در نیویورک) موافقت خود را با لزوم مقابله با تهدیدات ایران در منطقه و همچنین علیه آمریکا اعلام کردند. (ملکی، ۸ مهر ۱۳۹۷) این نیرو به منظور نشان دادن صحت ادعاهای خود در خصوص جدی بودن کشورهای عربی عضو میسا، دست به برگزاری یک رزمایش نظامی نیز زده، تا در بعد عملیاتی شکل‌گیری این نهاد امنیتی - نظامی را به نمایش گذارد.

در همین راستا، نیروهای مسلح و مقامات نظامی از ۸ کشور عربی در مصر در ماه نوامبر ۲۰۱۸ برای انجام یک مانور مشترک دورهم جمع شدند. امری که گمانه‌زنی‌ها برای تشکیل «ناتوی عربی» را تقویت کرد. (یورونیوز، ۲۰۱۸/۱۱/۰۶) البته ایجاد کمپ‌های آموزشی این

^۱. Mohammad Bin Salman Al Saud

^۲. Middle East Strategic Alliance (Mesa)

نیروها در مصر نیز به شکل آموزشی راهاندازی شده است. وزارت دفاع مصر پیش‌تر در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۸ اعلام کرده بود که عناصری از نیروهای زمینی، دریایی، هوایی و نیروهای ویژه عربستان، امارات، کویت، بحرین و اردن برای شرکت در این دوره آموزشی وارد خاک مصر شده‌اند. مراکش و لبنان نیز با عنوان ناظر در این دوره حضور دارند. در بیانیه وزارت دفاع مصر آمده که آموزش این نیروها «در چارچوب رویارویی با چالش‌های مشترک و حمایت از تلاش‌ها برای امنیت و ثبات در منطقه» است. تامر الرفاعی^۱، سخنگوی نظامی دولت مصر، در بیانیه‌ای رسمی که در ۷ نوامبر ۲۰۱۸ منتشر شد خبر داد که رئیس ستاد جنگ نیروهای مسلح مصر از نیروهای «درع العرب» که در «پایگاه نظامی محمد نجیب» در حال آموزش‌اند بازدید کرده است. (Issa, 04 November, 2018)

با نظر به این مقدمات می‌توان عنوان نمود که این اقدامات در راستای تشکل بیشتر ائتلاف اتحاد استراتژیک خاورمیانه بوده که مصر و عربستان به انحای مختلف خود را جزو کشورهای اصلی و مهم تشکیل دهنده آن می‌دانند. در ادامه به مهم‌ترین موضوعات پیرامون این اتحاد از اهداف شکل‌گیری، موانع پیش‌روی آن، رویکرد ترامپ به این ائتلاف و نیز تهدیدها و پیامدهای آن برای ایران پرداخته می‌شود.

۵- اهداف تشکیل ناتوی عربی

در خصوص اهداف تشکیل ناتوی عربی چندین عامل ذکر شده، که از آن میان می‌توان به مهم‌ترین آنها اشاره نمود. مقدمتاً ضروری است که اشاره شود، در گذشته، مقابله با اسرائیل و حمایت از آرمان‌های نیروهای فلسطینی در صدر هر تشکل عربی قرار داشت، اما به این نکته می‌بایست اشاره کرد که هدف تشکیل اتحاد استراتژیک خاورمیانه یا ناتوی عربی، مقابله با اسرائیل نیست، چرا که کشورهای عربی در مسیر عادی‌سازی روابط خود با تل‌آویو قدم بر می‌دارند و این مسأله طی دوره اخیر شدت یافته است. در واقع دولت آمریکا به دنبال آن است که اجرای گام‌به‌گام طرح معامله قرن و رونمایی از آن در آخرین مرحله، به شکل‌گیری یک نظم امنیتی و نظامی جدید در منطقه ختم شود. اما عوامل و اهداف اصلی تشکیل ناتوی عربی را می‌توان در موارد چندی دانست.

^۱. Tamer El-Refai

اولاً؛ هدف نهایی این تشکل نظامی - امنیتی نوعی مقابله با مخالفان نظم جدید و در راس آنها ایران، نیروهای مقاومتی فلسطین و لبنان است. در همین راستا، ضیاء عباس استاد روابط بین‌الملل هدف طرح ناتوی عربی از سوی واشنگتن را در راستای افزایش فشار بر تهران می‌داند، به ویژه که آمریکا اعلام کرده است که تحریم‌های بیشتری را علیه ایران اعمال می‌کند. از منظر وی، امکان برخورد مستقیم کشورهای عربی و ایران شاید پس از موفقیت تشکیل ناتوی عربی افزایش یابد، اما این امر در کوتاه مدت است و نه در میان مدت یا دراز مدت». (خبرگزاری مهر، ۹ مرداد ۱۳۹۷: ۴۳۶۲۳۶۸) این مساله‌ای است که کشورهای عرب در نشست نیویورک در ماه نوامبر ۲۰۱۸ در دیدار با وزیر خارجه آمریکا برای مقدمه‌چینی تشکیل اتحاد استراتژیک خاورمیانه بر آن تاکید نموده بودند.

دوم؛ هدف دوم اگر چه به نوعی مساله تأمین امنیت کشورهای عربی در همکاری با همدیگر در مقابل هرگونه تهدید را برجسته می‌کند، اما شاید در پیوند با هدف نخست، بار دیگر در پیوند با ایران قرار گیرد اما یک معنای کلی‌تر نیز در دل خود دارد که می‌تواند فراتر از موضوع مقابله با تهدید ایران نیز درک شود. بدین صورت که بتوان مساله امنیت مشترکی که برخی کشورهای عربی و ضد ایرانی طرح نموده‌اند، و این امنیت مشترک در مقابل ایران خود را می‌یابد، اساس تشکیل ناتوی عربی باشد. که نمود آن را می‌توان یکی از اظهارات عبدالفتاح السیسی دانست. وی در ۶ نوامبر ۲۰۱۸، در نشست جوانان در شرم الشيخ تأکید کرد که اگر امنیت خلیج فارس به خطر افتد، نیروهای مسلح مصر وارد عمل خواهند شد. (دیپلماسی ایرانی، ۲۹ آبان ۱۳۹۷: ۱۵۵-۱۹۸۰) که نوعی حمایت‌گرایی نظامی از کشورهای عرب خلیج فارس را با خود دارد.

سوم؛ مساله مبارزه با تروریسم و گروه‌های رادیکال بر هم زننده امنیت و ثبات خاورمیانه نیز از جمله اهداف تشکیل این پیمان نظامی است. مبارزه با داعش، القاعده و دیگر نیروهای تروریستی که برای عربستان و بحرین حتی به حوثی‌های یمن نیز مرتبط است، از جمله اهداف تشکیل ناتوی عربی است. این پیمان در مبارزه با حوثی‌ها در یمن نیز خود را به آزمون گذاشته است. در نشست ماه نوامبر، کشورهای حوزه خلیج فارس و نیز نمایندگان اردن و مصر با وزیر امور خارجه آمریکا، مایک پمپئو^۱ بر اهمیت شکست دادن داعش و سایر گروه‌های تروریستی تاکید نموده، که از دل آن صلح و ثبات را به سوریه و یمن آورده و بر حصول اطمینان از

^۱. Mike Pompeo

متوقف کردن فعالیت‌های ایران در در عراق و منطقه تاکید نموده بود. (Aluwaisheg, October 01, 2018)

چهارم؛ اتحاد استراتژیک خاورمیانه یا میسا و ناتوی عربی، اگرچه رویکرد امنیتی-سیاسی بر آن غالب است، اما توسعه حوزه‌های همکاری را در اهداف خود به سوی مسائل اقتصادی نیز مطرح نموده است. (Ibid) بدین صورت که میسا، سه حوزه عمده همکاری دارد؛ سیاسی، امنیت منطقه‌ای و اقتصادی و تلاش می‌کند تا پیوندهای میان کشورهای عضو را از بعد سیاسی - امنیتی به حوزه اقتصادی نیز تسری داده و زمینه را برای توسعه روابط فی‌مابین فراهم نماید. **پنجم؛** به عنوان یک اقتباس کامل از پیمان ناتو، شبیه‌سازی هرچه بیش‌تر به این پیمان حدوداً موفق سیاسی - امنیتی و گرده‌برداری و شبیه‌سازی کامل آن در خاورمیانه از زمره اهداف کشورهای تشکیل دهنده آن و آمریکا می‌باشد. همچنین تلاش دارد تا با تقلید از منشور ملل متحد، مشروعیت خود را ارتقا دهد. از منظر اعضا، برای آنکه این اتحاد موثر باشد، باید بر اساس اصل دفاع جمعی طراحی شود. که این توافق را مشابه ماده ۵ معاهده ناتو می‌سازد، که بیان می‌دارد که امنیت اعضای این پیمان تفکیک‌ناپذیر است و حمله به یک متحد به عنوان حمله‌ای علیه همه در نظر گرفته می‌شود. این اصل، به نوبه خود، از ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد نیز پیروی می‌کند، که به حق دفاع شخصی یا جمعی اشاره دارد و اجازه می‌دهد کشورها در قالب نهادها و اتحادیه‌هایی برای حفاظت از امنیت منطقه‌ای، فعالیت کنند. این نیز در فصل هشتم منشور ملل متحد آمده است که همکاری منطقه‌ای را در تمامی زمینه‌ها تشویق می‌کند. (Aluwaisheg, October 01, 2018)

ششم؛ یکی از اهداف کلیدی ناتوی عربی، ایجاد یک حلقه پیچیده پیوند میان کانال‌های اصلی ارتباطی منطقه و فرامنطقه‌ای و نیز پیوند میان دریاهای منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا است. در همین راستا، حبیب طومی^۱ در خلیج نیوز^۲ (September 14, 2018) می‌نویسد؛ «اتحادیه پیشنهادی، اگر تبدیل به واقعیت شود، وظیفه برقراری اتحاد امنیتی و نظامی را در خاورمیانه و خلیج فارس تدارک دیده و شامل خلیج فارس، دریای عرب، دریای سرخ و دریای مدیترانه و سه آبراهه‌ای که آنها را به هم پیوند می‌دهند، یعنی تنگه هرمز، باب المندب و کانال سوئز را شامل می‌شود. مأموریت اتحادیه استراتژیک خاورمیانه، شامل نظارت بر جریان

^۱. Habib Toumi

^۲. Gulf News

ناوبری این مناطق و مبارزه با قاچاق سلاح و نقض قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهد بود. همچنین این اتحادیه خطوط تامین نظامی مورد استفاده ایران در امتداد مرز اردن به سوریه را نیز مورد رصد قرار می‌دهد.

اهداف زیادی را می‌توان برای تشکیل این ناتوی عربی مورد طرح و تعریف قرار داد، اما در مجموع می‌توان اینگونه جمع‌بندی نمود، که در پس تشکیل این نهاد، میل کنترل ناپذیری به جنگ نهفته است. بریل دَذَاوْغلو^۱ در روزنامه دیلی صباح^۲ ترکیه می‌نویسد؛ «هنگامی که کسی در مورد ایجاد یک پیمان امنیتی صحبت می‌کند، اولین سوال این است که برای چه چیزی؟ پاسخ این سوال نسبتاً آسان است، به‌طوری که، از لحاظ نظری، هر کشوری می‌گوید که این امر به نفع صلح منطقه‌ای است، و ثبات سیاسی را در پی دارد و مبارزه مشترک با تروریسم را می‌خواهد. اما، شاید سوال دوم مهم‌تر باشد؛ در مقابل چه کسانی؟ هنگامی که شما سعی می‌کنید به این سوال پاسخ دهید، متوجه می‌شوید که پیمان‌های نظامی، گردهمایی‌های چندان صلح‌آمیزی نیستند. بد نیست بدانید که میسا در برابر ایران طراحی شده است، بنابراین حتی تمایل برای ایجاد چنین اتحادی، دعوی برای جنگ است.» (Dedeoğlu, July 31, 2018)

۶- موانع تشکیل ناتوی عربی

شصت سال پیش در فوریه ۱۹۵۸، جمال عبدالناصر^۳، رئیس جمهوری وقت مصر و شکری قوتلی^۴، رئیس جمهور سوریه در قاهره وحدت دو کشور را با نام جدید «جمهوری متحده عربی»^۵ اعلام کردند. طرح اتحاد میان دو کشور زمانی اتفاق افتاد که سوریه دچار بی‌ثباتی سیاسی بود. طرح وحدت اما از ابتدا محکوم به شکست بود، چرا که با وجود شور و هیجان اولیه، پس از اتحاد، دو کشور اقدامات محسوس چندانی را انجام ندادند. ناصر ریاست جمهوری متمرکزی را ایجاد کرد و در عمل به دنبال تسلط بر سوریه بود. در ۲۱ سپتامبر واحدهای ارتش سوریه به سمت دمشق به حرکت درآمدند و در یک کودتا، استقلال سوریه را از جمهوری متحده عربی اعلام کردند. آن کودتا ضربه‌ای سنگین بر ناصر بود. این نمونه شاید مورد خوبی برای نمایش ناکامی کشورهای عربی در طول دهه‌های گذشته در تشکیل اتحادهای سیاسی و

^۱. Beril Dedeoğlu

^۲. Dailysabah

^۳. Gamal Abdel Nasser

^۴. Shukri Al-Quwatli

^۵. United Arab Republic

نظامی باشد. (اعتضادالسلطنه، ۱۷ شهریور ۱۳۹۷) امری که می‌توان در مورد شکست طرح‌های امنیتی مشترک شورای همکاری خلیج فارس و ایجاد یک نهاد امنیتی متشکل از کشورهای عرب عضو اتحادیه عرب نیز مطرح نمود.

تشکیل یک پیمان ناتوی عربی هنوز در مراحل نخست برنامه‌ریزی است. برای عملی کردن آن باید در درون دولت‌های عربی و میان امریکا و کشورهای عربی کارهای زیادی انجام شود. اما، لازم به ذکر است که تشکیل سازمان امنیتی منطقه‌ای پیشنهاد جدیدی برای خاورمیانه نیست. تلاش‌های سابق در دهه ۴۰ و ۵۰ میلادی، مانند پیمان بغداد یا سنتو به شکست انجامید. در سال ۱۹۸۱، شورای همکاری خلیج فارس تشکیل شد، با این حال، زمانی که در سال ۱۹۹۰، عراق به کویت حمله کرد، امریکا مجبور به دفاع از کویت شد. اتحادیه عرب در سال ۲۰۱۵، تصمیم به تشکیل ارتش عربی با ۴۰ هزار نیرو گرفت. اما، چالش‌های درون اعراب تاکنون مانع از تحقق این طرح شده است. (اسلیم، ۱۷ شهریور ۱۳۹۷) پروژه ناتوی عربی نیز در طول همین مسیر و تلاش‌های شکست‌خورده تاریخی، قابل خوانش است.

با این مقدمه، می‌توان به پردازش و طرح علل و عوامل چندی به عنوان موانع شکل‌گیری و یا شکست طرح ناتوی عربی پرداخت. این عوامل طیف مختلفی از مسائل مبتلابه داخلی خاورمیانه، در ابعاد ملی، منطقه‌ای و نیز بین‌المللی تاریخی و کنونی را که دامن‌گیر منطقه است در بر می‌گیرد که در قالب چند علت کلیدی و مهم در ادامه مورد بحث قرار خواهند گرفت. البته لازم به ذکر است که در این تحلیل، کانون بحث شکل‌گیری ناتوی عربی را، می‌بایست در ایجاد جبهه‌ای برای مقابله با ایران دانست. لذا در ادامه به طرح و تحلیل بیشتر موانع شکل‌گیری و احتمال شکست ناتوی عربی در صورت تشکیل پرداخته می‌شود.

نخست؛ مساله قطر: یکی از موانع تاسیس اتحاد استراتژیک خاورمیانه یا ناتوی عربی، نزاع قطر با همسایگانش است. آمریکایی‌ها و در حال حاضر ترامپ، به منظور تشکیل جبهه ضدایرانی، به شورای همکاری خلیج فارس برای حل بحران قطر فشار آورده بودند. حتی حضور وزیر خارجه قطر در کنار همتایان عربستانی، اماراتی، بحرینی و مصری در جلسه ۸ مرداد ۱۳۹۷ شورای همکاری خلیج فارس، به عنوان نشانه‌ای از تلاش آمریکا برای ایجاد وحدت در شورای همکاری خلیج فارس قابل ارزیابی است. تاکنون مواضع هشت کشور شکل دهنده ناتوی عربی، درخصوص بسیاری از مسائل مثل یمن و بحران خلیج فارس (بحران در روابط قطر با عربستان، امارات، بحرین و مصر) و خطر ایران یکپارچه نبوده است. (حیدری، ۱۴ خرداد ۱۳۹۶: ۱۴۲۷۴۸۴)

اختلاف شدیدی که میان خود این کشورها در گرفت، کار را برای ایالات متحده پیچیده کرده، اختلافی که به تحریم اقتصادی و سیاسی قطر از سوی عربستان و چند کشور دیگر متحد آن انجامید. (Islam, June 5, 2018) در این خصوص، ضیاء عباس، استاد روابط بین‌الملل معتقد است؛ «با بررسی واقعیت‌های جهان عرب، امکان موفقیت این ایده بسیار سخت است. اینکه همه کشورهای عربی تحت پوشش نظامی یکپارچه‌ای جمع شوند، دشوار است و این به دلیل اختلافات موجود در شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب است. به‌طور مثال، بحران قطر عاملی اساسی برای تشکیل ناتو عربی است. (خبرگزاری مهر، ۹ مرداد ۱۳۹۷: ۴۳۶۲۳۶۸) امری که می‌توان با شکست پیش از شکل‌گیری این نهاد سیاسی - امنیتی همراه باشد یا در نهایت موجبات خروج قطر از ناتوی عربی راه‌کاری اجباری برای یک نهاد شکننده باشد.

دوم؛ مساله قتل خاشقچی و سخت‌شدن پیوندهای آمریکا و عربستان: جمال احمد خاشقچی^۱، روزنامه‌نگار، ستون‌نویس و منتقد عربستانی که به نقد سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای عربستان می‌پرداخت و سردبیر شبکه العرب نیوز را برعهده داشت، در ۲ اکتبر ۲۰۱۸ طی طرحی پیشینی و برنامه‌ریزی شده، پس از مراجعه به سفارت عربستان در ترکیه، به شکل فجیعی از سوی چند مأمور اطلاعاتی عربستان در داخل سفارت به قتل رسید. پس از رسانه‌ای شدن این ماجرا، جو بسیار سنگینی از انتقاد علیه محمد بن سلمان و حکومت آل سعود در سراسر جهان به راه افتاد که لطمت جبران ناپذیری به روابط عربستان و غرب به خصوص وارد نمود. (Coskun, 6 October 2018) ترامپ که قرار بود در ماه ژانویه ۲۰۱۹ با سران کشورهای عرب متحد خود در آمریکا دیدار و پیش‌نویس ناتوی عربی را با آنها امضا کند، با شرایط پیچیده موجود چنین برنامه و دیداری نامحتمل به نظر می‌رسد. در واقع ماجرای خاشقچی نیل به چنین توافقی را به غایت دشوار کرده و بنابراین ایده تشکیل «ناتوی عربی» را دست کم در شرایط فعلی تحقق ناپذیر ساخته است. اکنون فشار افکار عمومی آمریکا و جهان مانع از آن می‌شود که واشنگتن بتواند به راحتی «محمد بن سلمان» را به نشستی برای امضای پیمان‌نامه دعوت کند. رابرت مالی، رئیس «گروه بحران‌های بین‌المللی» و مشاور ارشد خاورمیانه در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما می‌گوید: «با اتفاقاتی که افتاده و حساسیت‌هایی که به وجود آمده، برای شخص محمد بن سلمان نیز بسیار دشوار خواهد بود که بتواند در چنین نشستی در ماه ژانویه شرکت

¹. Jamal Ahmad Khashoggi

کند». با این حال یک ژنرال بازنشسته آمریکایی به نام آنتونی زینی که از مذاکره‌کنندگان اتحاد راهبردی برای خاورمیانه است، می‌گوید: «این ابتکار عمل آغاز شده و در حال انجام است، گر چه تأثیر احتمالی ماجرای مرگ خاشقچی بر آن هنوز روشن نیست». (سالاری، ۲۰۱۸/۱۱/۰۸)

سوم؛ تفاوت قرائت‌ها از تروریسم و حمایت‌های عربستان از برخی از آنها: سید حسین موسوی می‌گوید؛ «جهان، امروز گرفتار گروه‌های تروریستی همچون داعش و القاعده است که امنیت منطقه و جهان را تهدید می‌کنند. اگر هدف ناتو عربی مقابله با این تهدید است، اعضای ائتلاف امنیتی مشترک باید هیچ‌گونه حمایتی از تروریسم این گروه‌های نامشروع تحت هیچ عنوانی نداشته باشند. شواهد و مدارک دال بر حمایت آشکار آل‌سعود از این گروه‌های تروریستی از ابتدای دهه نود میلادی بسیار است. برای مثال؛ می‌توان به گزارش محرمانه وزارت خزانه-داری دولت آمریکا اشاره کرد که از جنبه‌های مهم و متعدد، روابط محکم و کمک‌های مالی آل‌سعود به این سازمان‌های تروریستی پرده برداشت. این حمایت‌های مالی و تسلیحاتی که توسط آل سعود به القاعده و جبهه‌النصره ارائه می‌شده تاکنون نیز ادامه دارد، هم در جنگ داخلی سوریه و هم فراتر از آن». (Mousavian, 10/16/2018) در کنار این، تفاوت در درک کشورهای حاضر در ناتوی عربی، خصوصاً مصر و عربستان نیز مساله مهمی است. به عنوان نمونه؛ عربستان و مصر دارای قرائت‌های متفاوت از تروریسم هستند. در حالی که عربستان با گروه «اخوان المسلمین»^۱ چندان پیوند عمیقی ندارد و نیز تنش‌هایی با آنها داشته، اما در یمن و سوریه همکاری با برخی گروه‌های نزدیک به اخوان دارد، در مقابل مصر آن را گروهی تروریستی می‌داند. هم‌چنین در خصوص این گروه اختلافات شدیدی بین عربستان و قطر وجود دارد. (Qandil, 18 May, 2018)

چهارم؛ مقابله با ایران و تنش‌ها در میان کشورهای عرب بر سر این مساله: به عنوان مهم-ترین عامل در ایجاد مانع برای تشکیل ناتوی عربی، می‌بایست به هدف مقابله گرایانه این نهاد با ایران اشاره کرد، که خود موجبات تنش میان کشورها بر نوع خوانش از فهم نقش ایران در منطقه، روابط با این کشور و نیز ضرورت یا عدم ضرورت مقابله با آن شده است. باید به این نکته اشاره کرد که نفوذ ایران در کشورهای عربی از جمله سوریه، عراق و لبنان موانع بیشتری بر سر راه تشکیل این ائتلاف و رویارویی با ایران ایجاد می‌کند. در این میان، عربستان با خرید-

^۱. Muslim Brotherhood

های نظامی پیشرفته از آمریکا، تلاش دارد که رهبری منطقه‌ای اعراب را علیه ایران در منطقه برعهده گیرد. نکته اصلی این است که ضرورت‌های مقابله با ایران، عامل اصلی طرح چنین موضوعی تحت عنوان ناتوی عربی است. این عامل با دو ابهام کلیدی روبرو است (احمدزاده، ۱۴ مهر ۱۳۹۷)؛ **اولا**، که کشورهای درگیر در ائتلاف‌سازی علیه ایران با گذشت زمان دچار اختلافاتی در نوع تصمیم‌گیری‌های نظامی و امنیتی شده‌اند و شاید آمریکا با مدیریت در خصوص طرح ناتوی عربی به دنبال نجات پیمان‌های نظامی ضد ایرانی است. چرا که هم در ائتلاف ضد ایرانی در سوریه و هم در یمن ما شاهد اختلافات میان عربستان و هم‌پیمانان این کشور در پیشبرد طرح‌های راهبردی در حوزه نظامی و امنیتی بوده که مثال روشن آن بروز تنش در تداوم جنگ در یمن و نیز خروج غیررسمی قطر از شورای همکاری خلیج فارس است. در **ثانی**، شکل بندی‌های جدید امنیت منطقه‌ای تحت عنوان ناتوی عربی تنها به عنوان یک دغدغه امنیتی از سوی سیاست‌گذاران عربستان طرح شده و در فرآیند اجرا با مشکلات ساختاری و عملیاتی روبه‌رو است. همان‌طور که اشاره شد خروج قطر از شورای همکاری خلیج فارس، اختلافات در ائتلاف علیه یمن میان امارات و عربستان و عدم مشارکت جدی برخی از کشور-های عربی در تهاجمات نظامی عربستان در منطقه مانند مصر و مراکش از جمله موانع در راه تحقق ناتوی عربی است.

پنجم؛ تشدید منازعه شیعه و سنی: یکی از چالش‌های اصلی امنیتی در منطقه خاورمیانه، اختلافات فرقه‌ای و طائفه‌گری، است. در این راستا پروژه ناتوی عربی دولت ترامپ نه تنها گامی در جهت حل این معضل بر نمی‌دارد، بلکه بر آتش اختلافات موجود می‌افزاید. در حقیقت، تاسیس ناتو عربی بدان معناست که کشورهای عربی سنی مذهب حوزه جنوب خلیج فارس در موضع تقابل و تخصم پیش از پیش در قبال کشور شیعه مذهب همسایه شمالی خود یعنی ایران و حتی عراق با اکثریت شیعه قرار گیرند. در حقیقت پروژه ناتو عربی تکرار ایده استعماری «تفرقه انداز و حکومت کن» که در دهه‌های گذشته توسط دولت بریتانیا به عنوان استراتژی استعماری مورد استفاده قرار گرفته بود (Mousavian, 10/16/2018) و شکست طرح استعماری بریتانیا، شاهی بر مدعای شکست طرح ناتوی عربی با تکرار همان سناریوی قبلی است.

ششم؛ عدم در نظر گرفتن واقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در نقش و جایگاه بازیگران: پروژه دولت ترامپ برای تاسیس ناتوی عربی گامی بلند به سوی یک‌جانبه‌گرایی، به جای چند جانبه‌گرایی، در امور منطقه خاورمیانه و بین‌الملل است. این پروژه منافع سایر قدرت‌های

بزرگ جهانی مثل اتحادیه اروپا، چین، هند، و روسیه را در نظر نگرفته است. ضمن اینکه برای ترکیه به عنوان کشوری موثر در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه نیز هیچ نقشی در نظر گرفته نشده است. طرح واقع‌گرایانه از ائتلاف امنیتی مشترک در منطقه نه تنها نمی‌تواند به سادگی نقش قدرت‌های منطقه‌ای را نادیده بگیرد و نه منافع سایر قدرت‌های جهانی را. اگر هدف از تاسیس ائتلاف امنیتی مشترک، ایجاد استقرار پایدار در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس است، پس ایران باید عضو موثر و لاینفک این ائتلاف باشد، زیرا ایران تقریباً ۵۰ درصد از سواحل خلیج فارس را در اختیار دارد. عراق نیز با توجه به اهمیت دموگرافیک، جایگاه منطقه‌ای و عضویت در اوپک، باید جایگاه مهمی در این ائتلاف مشترک امنیتی داشته باشد. در غیاب ایران و عراق به عنوان دو عنصر تاثیر گذار در منطقه، هیچ پیمان امنیتی مشترکی به فرجام نخواهد رسید. (Mousavian, 10/16/2018) بنابراین، مشخص است که طرح ناتوی عربی، هدفی مبرهن در پشت سر دارد که ضدیت با ایران و مقابله با این قدرت منطقه‌ای را در زمره اهداف خود قرار داده است.

در مجموع و به عنوان جمع‌بندی می‌توان به سخنان «تامر الشهاوی» (دیپلماسی ایرانی، ۲۹ آبان ۱۳۹۷: ۱۵۵-۱۹۸۰) عضو کمیسیون دفاع و امنیت ملی در مجلس نمایندگان مصر اشاره نمود که گفت بود: «تشکیل نیروهای مشترک عربی چیزی است که مصر سال‌ها پیش به دنبال آن بوده و ضرورت حمایت از جهان عرب موضوعی است که کسی بر سر آن بحث ندارد، اما در شرایط کنونی برخی کشورهای عربی اراده سیاسی لازم برای تشکیل این نیروها را ندارند. بسیاری از پرونده‌ها در منطقه عربی هست که در هم تنیده و پیچیده شده است و پیش از تشکیل نیروهای نظامی مشترک باید تکلیف این پرونده‌ها روشن شود».

۷- ترامپ و مساله ناتوی عربی

مساله شکل‌گیری یک اتحاد استراتژیک برای خاورمیانه یا چیزی مانند ناتوی عربی، نه تنها حاصل دگردیسی درون‌زاد کشورهای منطقه در مسائل امنیتی به شکل اصیل و خود بنیاد نیست، که طرحی برون‌زاد و ناشی از نگاهی آمریکایی به خاورمیانه و تحولات آن است که به مستمسکی در دستان ترامپ بدل شده است. البته به نظر می‌رسد این ایده صبغه تاریخی به نسبت ریاست جمهوری ترامپ دارد و در میان روسای جمهور آمریکا دارد. چنانکه، تی‌یری میسان، تحلیلگر فرانسوی موضوع تشکیل ناتوی عربی را کمی به عقب‌تر برده و از زاویه دید آمریکایی

به آن، با اشاره به انتشار دکترین امنیتی آمریکا در ژانویه ۲۰۱۵ (درست سه ماه پیش از تشکیل نشست سران اتحادیه عرب در شرم الشيخ) آورده است. رئیس‌جمهور اوباما در دکترین امنیت ملی آمریکا یادآوری کرده است که «ثبات دراز مدت [در خاورمیانه و آفریقای شمالی] مستلزم حضور نظامی فزاینده ایالات متحده خواهد بود. چنین امری از هم‌پیمانان انتظار دارد که به شکل مستقل توان دفاعی خودشان را تضمین کنند». این امر از آنجا ناشی می‌شود که هزینه‌های سنگین مداخلات نظامی و ایجاد پایگاه‌های نظامی در اقصی نقاط دنیا از جمله منطقه خلیج فارس، که با سیاست ایران هراسی و ایران ستیزی از سوی آمریکا در منطقه و حتی جهان دنبال می‌شود، آمریکایی‌ها را به این فکر انداخته که یک ناتوی کوچک در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس ایجاد کند. البته هر دو رئیس‌جمهوری کنونی و پیشین آمریکا، یعنی ترامپ و اوباما، چنین اتحادی عربی را به‌عنوان راهکاری برای توسعه منافع ایالات متحده از طریق کاهش بار سنگین مسئولیت‌های روی شانه‌های واشنگتن می‌دانند، هنگامی که به فکر امنیت در جهان عرب می‌افتند. (Al-Jaber, 11 Oct, 2018)

برخی کشورهای عربی منطقه به خاطر سیاست ایران هراسی که آمریکایی‌ها به‌راه انداخته‌اند، اکنون با جمهوری اسلامی به دشمنی می‌پردازند، یکی از کارهای روزمره این کشورهای عربی منطقه، به ویژه عربستان سعودی سخن گفتن علیه ایران است. رسانه‌های سعودی و دیگر رسانه‌های هم‌سو با آنها در منطقه هر روز مطالبی را علیه ایران منتشر می‌کنند و مقامات این کشور هم در سخنان خود مواضع تندی علیه ایران دارند. شورای همکاری خلیج فارس که متشکل از چند کشور حاشیه خلیج فارس است، در اجلاس خود همیشه ایران را متهم به دخالت در امور کشورهای منطقه و بی‌ثبات‌کننده صلح و امنیت معرفی می‌کند. اما، واقعیت این است که آنها نگران سرنگونی رژیم‌های سرسپرده و دیکتاتوری خود هستند. آمریکا اگر کشورهای عربی منطقه را از دست بدهد، باید منطقه خلیج فارس را ترک کند، پایگاه‌های نظامی خود را تعطیل کند و دیگر هیچ جایگاه و پایگاهی در منطقه نداشته باشد. آمریکا به همین منظور، طرح ناتوی عربی را در دوره ترامپ پیشنهاد و پیگیری نموده است. ناتوی اروپایی برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شده بود که پس از فروپاشی شوروی، ناتو علیه روسیه وارد عمل شد. اکنون نیز آمریکایی‌ها برای اینکه، هم هزینه‌های خود را کم کنند و هم از ظرفیت‌های سران کشورهای عربی منطقه بیشتر استفاده ببرند، این مساله را پیگیری

می‌کنند. اگر این طرح آمریکا برای تشکیل ناتوی عربی با موفقیت روبرو شود، احتمال پیوستن برخی دیگر از کشورهای عربی به آن نیز می‌رود. (مجمع جهانی صلح اسلامی، مارس ۲۰۱۷)

در راستای تشکیل ناتوی عربی، ترامپ یک رویای ایده‌آل را در سر داشت، بدین صورت که طرح ابتدایی آمریکا مبنی بر این بود که بیش از ۵۰ کشور اسلامی حاضر در نشست ریاض را در سفر وی به عربستان علیه ایران بسیج کنند و عربستان سعودی میزبان آنها باشد. (Behrav-esh, AUGUST 14, 2018)

در این ماجرا عربستان سعودی وادار شد میلیاردها دلار هزینه کند و ترامپ با رقص شمشیر در ریاض سعودی‌ها را دلخوش کرد که رهبری این ائتلاف را به آنها خواهد سپرد. این ماجرا نشان داد که آمریکایی‌ها به خوبی نقطه ضعف سعودی‌ها را دریافته‌اند و انگشت روی آن گذاشته‌اند، و آن رهبری کشورهای اسلامی است. شکست طرح اولیه باعث شد تا ایالات متحده پا پیش گذاشته تا این بار به جای ائتلاف بیش از ۵۰ کشوری، ائتلافی کوچک‌تر تشکیل دهد که کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به اضافه اردن و مصر در آن عضو باشند و یک ناتوی عربی تشکیل دهند تا علیه ایران و در راستای منافع دولت ترامپ باشد. (آبشناس، ۲۰۱۸/۰۸/۰۵)

به طور کلی، ناتوی عربی به نفع واشنگتن است و ترامپ نیز از منافع آن برای کشورش آگاه است و نیز در راستای جلب سود هر چه بیشتر برای آمریکا تلاش می‌کند. (Kabalan, 10 Aug 2018)

این نهاد، در راستای وعده انتخاباتی ترامپ مبنی بر اینکه آمریکا اول است، رخ می‌دهد. در راستای تحقق این وعده، آمریکا از سازمان‌های بین‌المللی خارج می‌شود و از تعهدات پیشین خود شانه خالی می‌کند، زیرا شعار آمریکا در اولویت است مستلزم کم کردن هزینه‌های اقتصادی - نظامی و تحمیل این هزینه‌ها تا حد ممکن بر دوش متحدان و شرکای آمریکاست». (خبرگزاری مهر، ۹ مرداد ۱۳۹۷: ۴۳۶۲۳۶۸)

لذا ترامپ با مشی تجاری و اقتصادی که دارد در راستای افزایش قدرت داخلی آمریکا با دکتترین ناسیونالیسم میهن‌پرستانه خود، در تلاش است رونق صنعتی را مجدداً احیا کند.

به همین منظور، درک این مساله ضروری است که ترامپ یک بازرگان است و نباید انگیزه‌های مالی از جمله فروش تسلیحات به کشورهای عربی در پس ذهن او را برای اعمال فشار به منظور تشکیل یک پیمان جدید منطقه‌ای مانند ناتوی عربی را نادیده گرفت. با این حال، مقام‌های ارشد در دولت ترامپ معتقدند که ایران بزرگترین دشمن است و باید از طرح اتحاد عربی به عنوان ابزار مؤثری به منظور ایجاد همگرایی منافع بین کشورهای با اکثریت

جمعیت سنی استفاده کرد. اسرائیل نیز واکنش مثبتی نسبت به این طرح از خود نشان داده است. هیچ مقام آمریکایی از دموکرات تا جمهوریخواه در پیمانی منطقه‌ای در خاورمیانه شرکت نمی‌کند که بخواهد منافع امنیتی اسرائیل را مورد تهدید قرار دهد. واقعیت آن است که سیاست‌های ترامپ علیه ایران منسجم نیستند، حتی بسیاری از مقام‌های آمریکایی درباره کارآمدی تحریم‌های فعلی علیه ایران تردید دارند. لذا، ایده ناتوی عربی نیز یکی از عناصر دیگر استراتژی آمریکا ضد ایران است. با این حال، شاهد آن هستیم که دولت آمریکا مایل به مواجهه با ایران در سوریه، عراق، لبنان و یمن است. اگر ناتوی عربی با هدف محدود کردن نفوذ ایران در کشورهای عربی است ترامپ موفق نخواهد شد. کشورهای حوزه خلیج فارس خواستار انداختن بار اصلی مسئولیت جنگ با ایران بر دوش آمریکا و محدود کردن فعالیت‌های ایران در منطقه توسط آمریکایی‌ها هستند. (اسلیم، ۱۷ شهریور ۱۳۹۷)

در نتیجه، برای ترامپ که به نظر به دنبال درگیری با ایران می‌گردد، ولی ضرورتاً نمی‌خواهد نیروهای آمریکایی را درگیر آن کند، چشم‌انداز یک اتحاد عربی که ابتکار عمل را در دست گیرد، مشوق اوست. وزارت خارجه آمریکا در پیامی پس از نشست نیویورک که شامل کشورهای حاضر در پیمان ناتوی عربی در سال ۲۰۱۸ بود، اعلام کرده تمام شرکت کنندگان در نشست نیویورک بر ضرورت مقابله با تهدیدات ایران برای منطقه و آمریکا توافق کردند و درباره تأسیس اتحاد استراتژیک خاورمیانه، گفت‌وگوهای سازنده‌ای انجام داده‌اند. پمپئو گفته بود در ماه‌های آینده، کار برای پیشبرد این اتحاد را ادامه خواهد داد. در این زمینه نیز وزیر دفاع آمریکا اعلام کرده بود، این کشور از طرح تشکیل نیروی نظامی مشترک عربی حمایت می‌کند و در صورت وجود منافع مشترک، با آن همکاری خواهد کرد. (صالحی، ۱۳ آبان ۱۳۹۷) اما چنانکه در بخش موانع گفته شد، مساله قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار عربی - آمریکایی، به یک پیچیدگی در پیگیری این طرح بدل شده و باعث نگرانی طرف‌های آمریکایی - عربی، خصوصاً عربستان سعودی شده است. البته از نظر لجستیکی نیز، این پیمان نیازمند تسلیحات و پول زیادی است که عربستان سعودی برای آن طی ۳ سال گذشته قراردادهای سنگینی را با آمریکا به امضا رسانده که آخرین آنها قرارداد ۱۱۰ میلیارد دلاری برای نوسازی سیستم نظامی عربستان بوده است. در این قرارداد خرید ۳ فروند ناو پیشرفته برای حضور در آبهای خلیج فارس نیز لحاظ شده که می‌تواند در راستای همان ایجاد ناوگان دریایی متحد مورد درک قرار گیرد. (حیدری، ۱۴ خرداد ۱۳۹۶: ۱۴۲۷۴۸۴)

۸- نقش اسرائیل در ناتوی عربی

در بخش‌های مختلف از بحث ناتوی عربی از مسائل کلیدی و مبتلابه این نهاد سخن رفت، حال ضروری است تا نگاهی به نقش اسرائیل در این نهاد نظامی - امنیتی داشته باشیم. چنانکه در سال‌های اخیر و خصوصاً پس از تحولات سوریه، حضور ایران و حزب‌الله در این کشور برای حمایت از دولت قانونی اسد و نیز افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران شاهد بودیم، دوره‌ای از روندهای تسریع عادی سازی روابط میان اسرائیل و کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه در حال شکل‌گیری است که هدف قانونی آن مقابله با ایران است. در عین حال، نقطه ثقل این عادی سازی روابط با تمرکز بر مساله نفوذ و قدرت ایران را ناتوی عربی شکل می‌دهد که هدف اولیه و غایی این نهاد سیاسی - امنیتی، چنان که در بخش‌های مختلف این نوشتار گفته شد، مقابله با ایران است. این نهاد بر زمینه‌ای شکننده شکل گرفته است که در بخش موانع شکل‌گیری از آن بحث شد، در ادامه نقش اسرائیل را در این نهاد مورد بحث قرار خواهیم داد.

در راستای همین بحث باید گفت، پوشیده نیست که تصمیم به شکل‌گیری ناتوی عربی در خاورمیانه، با محوریت سیاسی، اقتصادی و نظامی عربستان سعودی و نقش مکمل سیاسی، نظامی، امنیتی و تکنولوژیک اسرائیل معنا پیدا خواهد کرد. (عرب، ۲۲ دی ۱۳۹۷) از منظر ولادیمیر ساژین، تحلیلگر روسی مسائل خاورمیانه، اگر چه ناتوی عربی شامل شش کشور شورای همکاری کشورهای عربی خلیج فارس می‌شود؛ اما نباید از نقش اسرائیل در این نهاد غافل بود. چرا که اسرائیل و ایالات متحده به طور رسمی اعضای آن نخواهند بود، بلکه به آن کمک‌های اطلاعاتی، سازمانی و نظامی خواهند رساند، خصوصاً اسرائیل که به لحاظ استراتژیک و امنیتی نقش مهمی در ناتوی عربی در مقابله با ایران خواهد داشت. (ساژین، ۲۰۱۹/۰۲/۲۱) البته در خصوص عضویت اسرائیل در ناتو، خود این کشور برداشت دیگری داد.

اسرائیل پیش از هر اقدامی و به شکل عجولانه، با وجود عقبه تاریخی تنش با جهان عرب و نیز سابقه جنگ‌های خونین با کشورهای عربی همسایه‌اش، پس از طرح شکل‌گیری ناتوی عربی، طی بیانیه‌ای از پیوستن به آن سخن گفته بود و با آغوش باز حضور در این ائتلاف را مطرح کرده بود. اگر چه نگارنده معتقد است که امکان عضویت اسرائیل در ناتوی عربی به شکل یک عضو ثابت امری نامحتمل است، اما دلیل این استقبال اسرائیل از ناتوی عربی را می‌بایست در اهمیت برخورد با ایران دانست. امری که در عمل این نهاد را به یک اتحاد اسرائیلی و سنی علیه شیعیان بدل خواهد کرد. (Pittas, 18 APRIL 2019) در همین راستا، از منظر

وسیمون سیپس، کارشناس علوم سیاسی اسرائیل و موسسه مطالعات امنیت ملی در خصوص پذیرش عضویت اسرائیل در ناتو عربی معتقد است که؛ اسرائیل این شرط را می‌پذیرد زیرا اولاً، مشارکت در چنین ائتلافی، موجب بالا رفتن اعتبار اسرائیل در برابر دیدگان بسیاری از کشورهای جهان اسلام می‌شود و اسرائیل در واقع به یک متحد تبدیل خواهد شد. دوم، اینکه مهم‌ترین مسئله برای اسرائیل، ایران است. اگر ایران شکست نخورد، از دیدگاه نظامی اسرائیل بسیار تضعیف خواهد شد. بنابراین، اسرائیل خواهان تضعیف ایران در سوریه و نوار غزه است (سیپس، ۲۰۱۸/۰۸/۱۶) و ناتوی عربی را گرانیگاهی برای نیل به این هدف می‌بیند. لذا از ایفای هر نقشی در این نهاد خودداری نخواهد کرد؛ چه عضویت کامل در آن، چه تامین کننده کمک‌های اطلاعاتی، نظامی و تدارکاتی. با عنایت به آنچه گفته شد، در پایان می‌توان هدف و نقش اسرائیل در ناتوی عربی را در سه منطق استراتژیک کوتاه، میان و بلندمدت مورد خوانش قرار داد:

کوتاه مدت: در این دوره، اسرائیل با عنایت به منافع امنیتی - سیاسی ناشی از تشکیل ناتوی عربی تلاش خواهد کرد تا از هر تلاشی برای شکل‌گیری این نهاد حتی به شکل شکننده حمایت نماید. در این وضعیت، اسرائیل با نزدیکی به دولت ترامپ طرح ایجاد ناتوی عربی را با دادن اطلاعات لازم جهت تشکیل آن فراهم خواهد کرد. در این مسیر با اختصاص منابع مالی، نظامی و تدارکاتی از آن حمایت خواهد کرد.

میان مدت: در میان مدت، اسرائیل تلاش خواهد کرد تا با عادی‌سازی حضور ضمنی خود در این نهاد، دست به کنش فعال و عینی‌تر بزند و به عضویت ناظر در وهله نخست و عضویت دائم در آن در وهله دوم در آید. این هدف از مسیر توافق قرن نیز که طرح دیگر آمریکا برای مساله فلسطین است، به وقوع خواهد پیوست. در مسیر تکوین ناتوی عربی و توافق قرن، اسرائیل قدم نهایی را برخواهد داشت.

بلند مدت: در بلند مدت و گام نهایی، با این فرض که ناتو شکل گرفته باشد، اسرائیل تلاش خواهد کرد تا از این نهاد، علاوه بر کارکردهای سیاسی - نظامی به عنوان مسیری جهت توسعه روابط اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی با کشورهای عضو و جهان اسلام استفاده نماید. در نتیجه، این کشور به هدف غایی خود که عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی - اسلامی است می‌رسد و نیز زمینه را برای ایجاد یک دشمنی و تقابل کامل چند بعدی با ایران در کنار کشورهای دیگر فراهم خواهد نمود. از دل این وضعیت است که موضوعیت قانونی اسرائیل به

عنوان بحران‌ساز خاورمیانه به وادی فراموشی سپرده می‌شود و ایران در چشم‌انداز ناتوی عربی جای اسرائیل را خواهد گرفت.

۹- راهبردها جمهوری اسلامی ایران برای تقابل با نقشه غربی - عربی - عبری ناتوی عربی
ناتوی عربی، یا اتحاد استراتژیک خاورمیانه، با اهدافی سیاسی - امنیتی، نظامی و در نهایت اقتصادی فرهنگی مطرح شده است. اما، جز اهداف سیاسی - امنیتی و نظامی بقیه اهداف این نهاد، جز موجه و دموکراتیک جلوه دادن آن، چیزی نیست. در بعد امنیتی - سیاسی و نظامی نیز، هدف اصلی اعمال فشار بر جمهوری اسلامی و مقابله با قدرت و نفوذ کشور است. لذا، بررسی مهم‌ترین راهبردها و ضرورت‌های فوری برای جمهوری اسلامی در تقابل با این نهاد، حیاتی است که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

نخست؛ ایجاد شکاف در میان کشورهای اصلی شکل‌دهنده اتحاد: کشورهای مد نظر جهت تشکیل ناتوی عربی، عبارتند از ۶ کشور عرب حوزه جنوبی خلیج فارس، به همراه اردن و مصر. بدون شک، هویت عربی و پاسداری از این هویت مهم‌ترین وجه اشتراک همه کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا است. و اساس تشکیل اتحاد استراتژیک نیز بر همین مهم قرار دارد. اما، آیا می‌توان از یک تهدید مشترک برای کشورهای عربی سخن به میان آورد؟ ناتوی عربی که تهدید رو به گسترش ناشی از نفوذ و قدرت ایران را شالوده ضرورت تشکیل خود قرار داده، آیا کشورهای شکل‌دهنده آن، با یک عینک به ایران و تهدید آن می‌نگرند؟ مطمئناً خیر. در میان کشورهای عضو احتمالی اتحاد، هرگز یک نگاه مشترک راجع به ایران و تهدید قلمداد نمودن آن وجود ندارد.

از سوی دیگر، در میان کشورهای عضو اتحاد، دو کشور مهم عربستان و مصر قرار دارند. این دو کشور، به لحاظ تاریخی در نقطه مقابل هم قرار دارند و هر یک حامی یک نگاه متمایز از جایگاه خود در جهان عرب هستند. مصر به لحاظ تاریخی و از منظری هویتی، خود را پاسدار هویت عربی و سردمدار ناسیونالیسم عرب می‌داند. اما عربستان، به لحاظ مذهبی خود را سردمدار جهان عرب سنی می‌بیند. این دو کشور در همین مساله، از یک رقابت تاریخی نسبت به هم در جهان عرب نیز برخوردارند. تنش دیگر میان این دو کشور بر شکاف آنها در خوانش مسائلی از قبیل تروریسم و نوع آن است که در فصل پیشین مورد بحث قرار گرفت. در عین حال، مصر هرگز به‌اندازه عربستان، ایران را دشمن خود نمی‌داند.

در کنار این، در حوزه خلیج فارس نیز، میان قطر و عربستان تا حدود زیادی از سال گذشته یک تنش اساسی در خصوص مسائل منطقه‌ای پیش آمده است، که در بعد انرژی نیز این تنش تشدید شده، در عین حال، قطر حامی خوانشی اخوانی از اسلام است، که به شدت مورد انتقاد عربستان وهابی قرار دارد. همچنین، قطر هرگز بزرگنمایی عربستان از تهدید ایران را قبول نداشته و این کشور را شریک استراتژیک و همپیمان خود می‌داند، که در دوران تحریم کشورهای حوزه خلیج فارس علیه قطر، به یاری آن شتافت.

کویت نیز تاحدودی زیادی متفاوت از عربستان به جایگاه و نقش ایران می‌نگرد و هرگز آن دیدگاه خصمانه را نسبت به تهدید ایران و نیز نسبت به تحریم قطر ندارد. لذا این شکاف‌های درونی، میان کشورهای ناتوی عربی خود در آینده موجبات تشدید تنش‌ها را در این اتحاد فراهم می‌آورد، اما ایران نیز می‌بایست بر تشدید این شکاف‌ها و تنش‌ها، با توسعه روابط سیاسی - امنیتی و اقتصادی خود با قطر و کویت ادامه دهد و از هرگونه اقدام تنش‌ساز که موجب نگرانی این دو کشور شود، پرهیز نماید.

دوم؛ تقویت بنیادهای دفاعی و نظامی کشور با تاکید بر تنگه هرمز و خلیج فارس: به لحاظ رئالیستی، توانایی‌های ایران در عرصه دفاعی در بعد نظامی تقویت شده و در قالب همین تصویر به جهان عرضه می‌شود. تقویت بنیان‌های دفاعی در ابعاد نظامی و موشکی، یکی از توانایی‌های شگرف کشور با اتکا به دانش بومی است، که عامل امنیت‌ساز برای کشور و بدل شدن کشور به یک قدرت منطقه‌ای بوده است. داشتن قدرت نظامی تدافعی که بتواند موجبات ترس دشمنان کشور را برای هرگونه اقدام غیرعقلایی فراهم نماید، یک واقعیت است که نمی‌توان از آن رویگردان بود.

سیاست در عرصه رئالیستی، امری است که همچنان بر رفتار کشورها و نظام بین‌المللی حاکم است و جمهوری اسلامی نیز در بعد دفاعی و نظامی، می‌بایست بر کنش در این چارچوب ادامه دهد. تقویت بنیه دفاعی عامل تقویت بنیه امنیتی کشور است. تقویت بنیه دفاعی کشور می‌تواند با تاکید بر پاسداری از تنگه هرمز و خلیج فارس به ابزاری جهت فشار بر کشورهای عرب منطقه، جهت تجدیدنظر در هرگونه سیاست تهاجمی علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته شود. در عین حال، مادامی که کشورهای عربی از نمایش قدرت جمهوری اسلامی در بعد نظامی - دفاعی آگاه باشند، از طرح نقشه‌های غیرعقلایی و تهاجمی علیه آن خارج شده و با منطق دیپلماسی و چانه‌زنی با آن برخورد خواهند نمود.

سوم؛ توجیه الزام ایجاد اتحادهای امنیتی با در نظر گرفتن سهم قدرت‌ها در منطقه: اتحاد استراتژیک خاورمیانه در راستای سیاست‌های آمریکا در دوران اوباما و ترامپ و با لحاظ نمودن جایگاه این قدرت فرمانطقه‌ای در خاورمیانه، به همراهی عربستان و مصر در کانون توجه قرار گرفته است. ترامپ سیاست امنیتی ناتوی عربی را از اوباما به وام گرفته، اما در راستای ضدیت با ایران و نیز تشدید فضای ضد ایرانی و ضد حزب‌الله در خاورمیانه به کار گرفته و تعریف نموده است. اما، ایجاد هرگونه اتحاد امنیتی - نظامی که خواهان پاسدران از امنیت خاورمیانه به شکل معقول باشد، می‌بایست با مشارکت همه‌ی کشورهای منطقه، خصوصاً قدرت‌های منطقه‌ای و نیز لحاظ نمودن قدرت‌های فرمانطقه‌ای موثر در تحولات خاورمیانه صورت پذیرد، در غیر این صورت، با شکست پیش از نیل به اهداف مواجه خواهد شد و در نهایت یا به یک سازمان کلامی، بدون سیاست اعمالی یا یک نهاد غیر امنیتی و محلی برای تنش بدل خواهد شد. لحاظ کردن جایگاه قدرت‌های منطقه‌ای چون ایران و ترکیه در ایجاد یک اتحاد استراتژیک برای خاورمیانه امری است که می‌تواند موجبات تقویت ثبات و امنیت منطقه را فراهم نماید، و در غیر این صورت، هر اتحاد بدون حضور این کشورها، تنها تنش‌ها را افزایش داده و در نهایت باعث تشدید ناامنی و چندپارگی مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه می‌شود. لذا جمهوری اسلامی می‌بایست بر حق خود در کنار ترکیه برای شرکت در مناسبات امنیتی و اتحادهای امنیتی - سیاسی در منطقه دفاع نموده و هرگونه اتحاد خارج از حضور خود را به چالش کشیده و محکوم نماید.

نتیجه‌گیری

دونالد ترامپ، بعد از به قدرت رسیدن در آمریکا، ضدیت با ایران را در سرلوحه سیاست خاورمیانه‌ای خود قرار داده است. دولت آمریکا علاوه بر تحریم و فشارهای یک‌جانبه، ترامپ سیاست ایجاد ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران را در قالب ایجاد ناتوی عربی در سرلوحه‌ی سیاست خارجی خود قرار داده است. در واقع، از زمان ریاست‌جمهوری ترامپ تحركات سیاسی از سوی آمریکا و حکام عربستان برای تشکیل ائتلاف عربی علیه ایران در منطقه با محوریت اعضای شورای همکاری خلیج فارس و اردن و مصر انجام شده است.

هدف نهایی این تشکل نظامی - امنیتی نوعی مقابله با مخالفان نظم جدید و در راس آنها ایران، نیروهای مقاومتی فلسطین و لبنان است. مساله مبارزه با تروریسم و گروه‌های رادیکال بر هم زننده امنیت و ثبات خاورمیانه نیز از جمله اهداف تشکیل این پیمان نظامی است. میسا،

سه حوزه عمده همکاری دارد؛ سیاسی، امنیت منطقه‌ای و اقتصادی و تلاش می‌کند تا پیوند-های میان کشورهای عضو را از بعد سیاسی - امنیتی به حوزه اقتصادی نیز تسری داده و زمینه را برای توسعه روابط فی‌مابین فراهم نماید.

با تمام این اوصاف، در مسیر شکل‌گیری ناتو عربی موانعی چند همچون، اختلافات کشور-های عربی به رهبری با حاکمان قطر، مساله قتل خاشقچی و رسوایی بزرگ سعودی‌ها در سطح منطقه، نبود تعریف واحد از تروریسم میان کشورهای عربی، تفاوت نگاه و سطح تنش کشور-های عرب با ایران و پیچیدگی در معادلات منطقه خاورمیانه وجود دارد. با تمام این اوصاف، ناتوی عربی در راستای اهداف بلندپروازانه واشنگتن است و ترامپ نیز از منافع آن برای کشورش هم آگاه است و هم در راستای جلب سود هر چه بیشتر برای آمریکا تلاش می‌کند.

با تمام این اوصاف، جمهوری اسلامی ایران در مقام راهبردهای سازنده سه محور اساسی را در مقابله با طرح دونالد ترامپ و عربستان برای ایجاد ناتوی عربی اتخاذ کند. مهم‌ترین راهبردی ایران بر هم زدن الگوی دوستی و اتحاد میان کشورهای عربی است. هر اندازه تهران بتواند در میان کشورهای اصلی موردنظر آمریکا در مقام رهبران ناتو عربی شکاف ایجاد کند، به نظر می‌رسد می‌تواند موفقیت بیشتری کسب کند. در این میان ایجاد انشقاق میان مصر و عربستان مهم‌ترین گزینه‌ای است که با توجه به نگاه رهبران قاهره، ایران می‌تواند پیگیری کند. در سطحی دیگر ایران باید تلاش کند نقش منطقه‌ای و حضور خود در معادلات امنیتی خاورمیانه را تثبیت و به شکل درون‌زاد مشروع جلوه دهد. در حقیقت، تهران می‌بایست بر حق خود در کنار ترکیه برای شرکت در مناسبات امنیتی و اتحادهای امنیتی - سیاسی در منطقه دفاع نموده و هرگونه اتحاد خارج از حضور خود را به چالش کشیده و محکوم نماید. در سطح منطق رئالیستی نیز افزایش توانمندی ایران در سطح نظامی و دفاعی می‌تواند عاملی مهم برای رویگرداندن بازیگران از حضور در جبهه عربی - عبری تحت حمایت آمریکا باشد. در حقیقت، تقویت بنیه دفاعی کشور می‌تواند با تاکید بر پاسداری از تنگه هرمز و خلیج فارس به ابزاری جهت فشار بر کشورهای عرب منطقه، جهت تجدیدنظر در هرگونه سیاست تهاجمی علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته شود.

منابع فارسی

مقالات

- آدمی، علی (۱۳۹۱)، بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲
- پروین داد اندیش، ولی کوزه‌گر کالجی (۱۳۸۹)، بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه‌ای قفقاز جنوبی، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۵)، بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره سوم
- هاشمی، فاطمه (۱۳۹۰)، امنیت پایدار در خلیج فارس: موانع و ساز و کارها، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره اول

خبرگزاری

- آشناس، عماد (۲۰۱۸/۰۸/۰۵)، ناتوی عربی از خیال تا واقعیت، خبرگزاری اسپوتنیک، قابل دسترس در:

<https://ir.sputniknews.com/opinion/201808053829703/>

- احمدزاده، داود (۱۴ مهر ۱۳۹۷)، چشم انداز طرح تشکیل ناتوی عربی - عبری، شورای راهبردی روابط خارجی، قابل دسترس در:

<http://www.scfr.ir/fa/>

- اسلیم، رندا (۱۳۹۷/۶/۱۷)، حلقه‌ای جدید در زنجیره اقدامات ضد ایرانی آمریکا، روزنامه ایران، سال بیست و چهارم، شماره ۶۸۷۰
- اعتضادالسلطنه، نوژن (۱۳۹۷/۶/۱۷)، ناتوی عربی؛ ائتلاف کاغذی ناپایدار، روزنامه ایران، سال بیست و چهارم، شماره ۶۸۷۰
- حیدری، علی (۱۳۹۶/۳/۱۴)، نگاهی به ایده "ناتوی عربی"؛ ایده‌ای آمریکایی-سعودی و غرق در اختلافات درونی، خبرگزاری تسنیم، قابل دسترس در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/03/14/1427484>

- خبرگزاری مهر (۱۳۹۷/۵/۹)، ناتوی عربی؛ ترامپ اعراب را به سوی جنگ عظیم سوق می‌دهد، قابل دسترس در:

<https://www.mehrnews.com/news/4362368>

- دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۷/۸/۲۹)، اختلافات عربی سدی در برابر ناتوی عربی، قابل دسترس در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1980155>

- ساژین، ولادیمیر، پناه بردن به اسرائیل از ترس ایران، خبرگزاری اسپوتنیک، ۲۰۱۹/۰۲/۲۱، قابل دسترس در:

<https://ir.sputniknews.com/opinion/201902214469296>

- سالاری، مسعود (۲۰۱۸/۱۱/۰۸)، در دسرهای آمریکا برای تشکیل ناتوی عربی در برابر ایران، یورونیوز، قابل دسترس در:

<https://fa.euronews.com/2018/11/08/us-troubles-for-formation-of-arab-nato-against-iran>

- سیپس، سیمون (۲۰۱۸/۰۸/۱۶)، آیا اسرائیل به "ناتو عربی" علیه ایران می‌پیوندد؟، خبرگزاری اسپوتنیک، ۲۰۱۸/۰۸/۱۶، قابل دسترس در:

<https://ir.sputniknews.com/opinion/201808163867845>

- صالحی، فاطمه (۱۳۹۷/۸/۱۳)، ناتوی عربی علیه ایران؛ آرزویی که محقق نمی‌شود، انجمن خبرنگاران ایران، آسیای مرکزی و روسیه، قابل دسترس در:

<http://www.ca-irnews.com/fa-ir/analytcs-fa/54396>

- عرب، علیرضا (۱۳۹۷/۱۰/۲۲)، ناتوی عربی با محوریت اسرائیل؛ موانع و چالش‌ها، خبرگزاری بین‌المللی قدس، قابل دسترس در:

<http://qodsna.com/fa/323283>

- مجمع جهانی صلح اسلامی (مارس ۲۰۱۷)، ائتلاف عربی تا ناتوی عربی، ترجمان روز، قابل دسترس در:

<http://www.iwpeace.com/sites/iwpeace.com/files/field/files/119>

- ملکی، مرتضی (۱۳۹۷/۷/۸)، ناتوی عربی از رویا تا واقعیت، شبکه العالم، قابل دسترس در:

<http://fa.alalam.ir/news/3808831>

- یورونیوز (۲۰۱۸/۱۱/۰۶)، رزمایش مصر؛ آیا «ناتوی عربی» برای مقابله با ایران تشکیل می‌شود؟، قابل دسترس در:

<https://fa.euronews.com/2018/11/06/arab-military-exercises-in-egypt-amid-arab-nato-proposal>

English Resources

Book

- Buzan, Barry (1991), **People, State and Fear: The National Security Problem in International Relation**, London, Harvester: Wheatsheaf

- Barry Buzan, and Ole Waever (2003), **Regions and Powers: The Structure of International Security**, Cambridge University

Articles

- Roehrs, Pine (2005), **Weak States And Implications For Regional Security-:A Case Study Of Georgian Instability And Caspian Regional Insecurity**, Research Institute For European And American Studies, (Rieas), PDF
- Sedivy, Jivi (2004), **Book Review of “Regions and Powers: The Structure of International Security by Barry Buzan and Ole Waever”**, Journal of International Relations and Development, Vol. 7
- Sedivy, Jivi (2004), **Book Review of “Regions and Powers: The Structure of International Security by Barry Buzan and Ole Waever”**, Journal of International Relations and Development, Vol. 7
- Walt, Stephen M. (1992), **The Renaissance of Security Studies**, International Studies Quarterly, Vol.35

Site

- Al-Jaber, Khalid (11 Oct 2018), **Are Trump's plans for an Arab NATO realistic?** Aljazeera. From: <https://www.aljazeera.com/indepth/opinion/trump-plans-arab-nato-realistic-181011132121513.html>
- Aluwaisheg, Abdel Aziz (October 01, 2018), **Collective defense crucial to success of proposed Middle East Strategic Alliance**, Arab News. From: <http://www.arabnews.com/node/1380756>
- Behraves, Maysam (AUGUST 14, 2018), **Commentary: Why Trump's ‘Arab NATO’ plan won't curb Iran**, Reuters. From: <https://www.reuters.com/article/us-behraves-iran-commentary/commentary-why-trumps-arab-nato-plan-wont-curb-iran-idUSKBN1KZ21C>
- Copp, T. (2018), **‘Pentagon Strips Iraq, Afghanistan, Syria Troop Numbers from Web’**, Stars and Stripes, From: <https://www.militarytimes.com/news/your-military/2018/04/09/dod-strips-iraq-afghanistan-syria-troop-numbers-from-web/>
- Coskun, Orhan (6 October 2018), **Exclusive: Turkish police believe Saudi journalist Khashoggi was killed in consulate – sources**, Reuters
- Dedeoğlu, Beril (July 31, 2018), **Does the Middle East need a new organization?** Daily Sabah. From: <https://www.dailysabah.com/columns/beril-dedeoglu/2018/07/31/does-the-middle-east-need-a-new-organization>
- Frazier, Derrick & Stewart Robert -Ingersoll (21 April 2010), **Regional powers and security: A framework for understanding order within regional security complexes**, Available at: <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/1354066109359847>
- Islam, Fakhrul (June 5, 2018), **Qatar crisis: The boycott decision and its aftermath**, Khaleej Times. From: <https://www.khaleejtimes.com/region/qatar-crisis/qatar-crisis-the-boycott-decision-and-its-aftermath>

- Issa, Yasmin (04 November 2018), **Five Arab states join Egypt in military maneuvers**, Arab News. From: <http://www.arabnews.com/node/1398801/saudi-arabia>
- Kabalan, Marwan (10 Aug 2018), **Trump's 'Arab NATO' plan to counter Iran is doomed to fail**, Aljazeera. From: <https://www.aljazeera.com/indepth/opinion/trump-arab-nato-plan-counter-iran-doomed-fail-180810090115814.html>
- Mousavian, Seyed Hossein (10/16/2018), **Trump's 'Arab Nato' Project Is Doomed Opinion**, News week. From: <https://www.newsweek.com/trumps-arab-nato-project-doomed-opinion-1170368>
- Pittas, Artemis (18 APRIL 2019), **Arab NATO project on very shaky ground**, Voltaire Net. From: <https://www.voltairenet.org/article206181.html>
- Qandil, Mohamed Mokhtar (May 18, 2018), **The Muslim Brotherhood and Saudi Arabia: From Then to Now**, The Washington Institute for Near East Policy, From: <https://www.washingtoninstitute.org/fikraforum/view/the-muslim-brotherhood-and-saudi-arabia-from-then-to-now>
- Toumi, Habib (September 14, 2018), **Strategic alliance to monitor key waterways**, Gulf News. From: <https://www.google.com/search>

